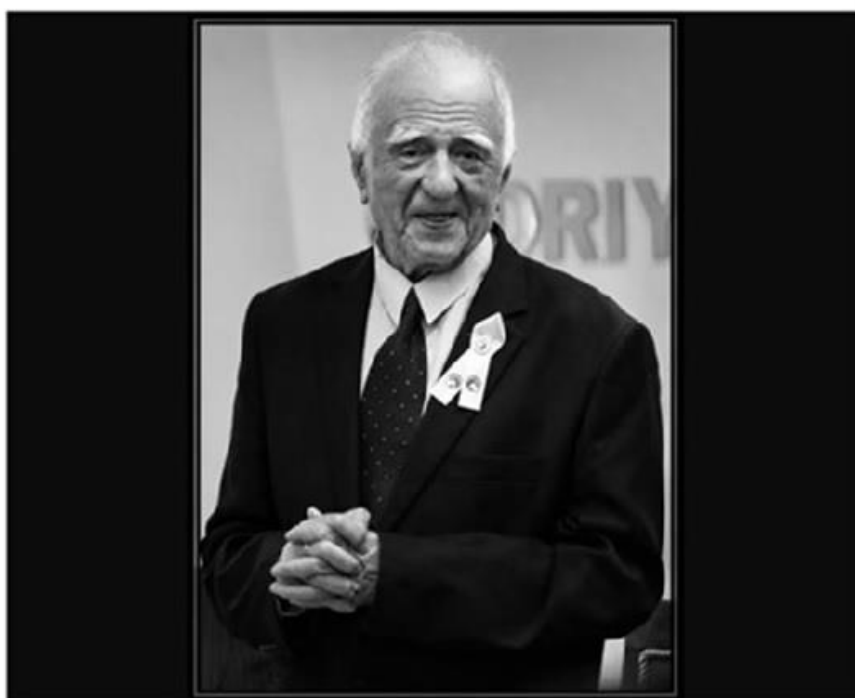


نویسنده: اکادمیسین شرعی جوزجانی

ادیب نامور، قهرمان اوزبیکستان ابراهیم غفوروف
به جاودانگان پیوست



از شمار دو چشم یک تن کم وز شمار خرد هزاران بیش
(رودکی)

ادیب نامور ، قهرمان اوزبیکستان ابراهیم غفوروف به
جاودانگان پیوست

بر اساس اطلاعیه اتحادیه نویسندگان اوزبیکستان، دوست بزرگوار ما قهرمان اوزبیکستان، دانشمند و نویسنده توانا و یکی از اساسگذاران مکتب نوین ترجمه در اوزبیکستان ابراهیم غفوروف، بعد از 88 سال حیات پرثمر زندگی را بدرود گفت.

درگذشت این شخصیت محبوب، مایه تأثر عمیق ما و تمام دوستان و علاقمنداناش گردید.

بر اساس مقوله حکیمانه معروف «موت العالم، موت العالم» (مرگ یک عالم به مثابه مرگ یک عالم است)، ابراهیم غفوروف به صفت یک دانشمند متفکر، نویسنده توانا، ژورنالیست مبتکر و مربی صدها تن از شاگردان پر استعداد، تمام زندگی خود را در راه انکشاف مطبوعات، رشد زبان و فرهنگ اوزبیکی و ضرورت تحکیم همبستگی ملی در جهت زدودن عواقب حاکمیت استعماری بیگانگان و برداشتن پرده های سیاهی که بر تاریخ و فرهنگ درخشان تورکان جهان کشیده شده و مانع وحدت آنها میگردید، وقف کرد.

نخستین اثر او به نام «گوزه للیک نینگ الماس قرره لری» (ابعاد درخشان زیبایی) در سال 1963 به نشر رسید. او در آثار خود جریانهای روبه انکشاف ادبیات اوزبیک را مورد پژوهش قرار میدهد و در ساحة ادبیات کلاسیک انعکاس ارزشهای انسانی و عموم انسانی را به شیوه علمی و انتقادی ارزیابی میکند. در عرصه زمینه سازی برای رشد و تربیه نسل نو شاعران و ادبیاتشناسان و نویسندگان خلاق و توجیه آنان در راه نوآوری و ایجاد اثرهای اصیل غیر مکرر، پژوهشهای جالب و سودمند انجام میدهد.

او به صفت یک نویسنده صاحب نظر و یکی از اساسگذاران مکتب نوین ترجمه، آثار مهمی از نویسندگان بزرگ جهان بزبان اوزبیکی ترجمه و نشر کرده است.

او با عنوان افتخارآمیز «نویسنده خلق اوزبیکستان» و عضو انجمن نویسندگان اوزبیکستان، یکی از فعالان اجتماعی بود و در سالهای 1996 - 2005 به صفت وکیل بخش قانونگذاری پارلمان (قانون چیقیش پلته سی) اوزبیکستان کار کرده است.

او نخستین مدیر مسئول گزیتۀ معروف «ملی تیکله نیش» (احیای ملی - نوزایی ملی) بود و من از آغاز تأسیس این جریده (10 جون سال 1995) با شادروان غفوروف همکاری قلمی داشتم. یشترازلث 160 مقاله و بعضا شعرمن که در مطبوعات اوزبیکستان به زبان اوزبیکی و بعضا به زبان تاجیکی (در هفته نامۀ «آواز تاجیک») نشر شده، امکان نشر درین گزیتۀ را داشته است. جریدۀ «ملی تیکله نیش» با نشر مقالات علمی، ادبی، اجتماعی و سیاسی در راه انکشاف ژورنالیزم عملی نقش برانزده داشت و مهمترین مسایل سیاسی روز را مورد ارزیابی قرار میداد. درین مورد میتوان از مقالات او پیرامون (تورکستان بیرلیگی) و مقالۀ من تحت عنوان «توران بیرلیگی تاریخی ضرورت» (وحدت توران به مثابۀ یک ضرورت تاریخی) یادآوری کرد. جریده خوانندگان زیاد داشت.

او دوست نهایت صمیمی من بود، باهم در بسا مسایل همنظر بودیم. دانشمندی بود گرویدۀ عرفان و اندیشه های عرفانی. من به خواهش او طی مقالۀ ای با عنوان «ترانه های عرفانی بابا طاهر عریان» پیرامون حیات او روشنی انداخته 19 رباعی او را در اوزان عروضی و هجایی به اوزبیکی ترجمه کرده بودم. همچنان یک رسالۀ شیخ نجم الدین کبری را از عربی به اوزبیکی ترجمه کردم، چون رسالۀ نام نداشت، مرحوم غفوروف آنرا با عنوان «آنچه با چشمان قلب خود دیده ام» به نشر سپرد.

ابراهیم غفوروف آثار زیادی نوشت و ترجمه کرد. قطعات ادبی او که با نام «منتوره» به شیوۀ خاص او نگارش می یافت، شهرت زیاد داشت. عده ای از آثارش با اعطای جوایز مورد تقدیر قرار گرفته اند. از آن جمله اند کتاب «اوتتیز ییللیک نینگ اظهاری» (بیان خاطرات سی ساله)، «یانر سوز» (سخن آتشین) با جایزۀ دولتی جوانان. او در سال 1995 با نشان «دوستلیک» و در سال 2007 با نشان «محنت شهرتی» مورد تقدیر قرار گرفته است.

در سالهای اخیر او در فاکولتۀ زبانهای خارجی در دانشگاه اقتصادیات جهان و دیپلوماسی به حیث استاد در تدریس نظریۀ ترجمه و ادوار عملی آن در تاریخ اشتغال داشت.

ابراهیم غفوروف یک تعداد زیاد شاهکارهای ادبیات جهان از جمله کتب زیر را به زبان اوزبیکی ترجمه و نشر کرده است:

— از ارنست همینگوی رمانهای «پیر مرد و دریا» و «الوداع اسلحه»؛

— از کنستانتین پاستوفسکی رمان «سالهای دراز»؛

— از گی دو موپاسان رمان «شمشیر و سپر»؛

— از میرزا ابراهیموف رمان «مرغ طوفان»؛

— از چنگیز ایتمتوف رمان «قیامت»؛

— از چنگیز ایتمتوف رمان «ابرسفید چنگیزخان»؛

— از چنگیز ایتمتوف رمان «کوههایی که فرو میریزند»؛

— از فیودور داستایفسکی رمانهای «دیوانه»، «قمارباز» و «ابله»؛

— از ناظم حکمت «سرور»؛

— حماسه هند (پنج کتاب مقدس)؛

— از والنتین راسپوتین داستان «حریق»؛

✓ از گابریل گارسیا-مرکیزرمان «خزان فرمانروا»؛

همچنان او اثرهای کونفچوس، نیچه، ادگار آلن پو و فولکنر را به زبان اوزبیکی ترجمه کرده است. برای چهار فلم سناریو نوشته و تعداد زیاد مقالات علمی، ادبی، انتقادی و سیاسی اودر مطبوعات اوزبیکستان نشر شده است.

با درگذشت این نویسنده توانا و دانشی مرد متفکر که با کمال شایستگی از طرف شوکت میر ضیایف رئیس جمهور اوزبیکستان سزوار عنوان پر افتخار «قهرمان اوزبیکستان» گردیده بود، چنان تنومندی از باغ ادبیات اوزبیک سرنگون گردید و دنیای دانش و فرهنگ اوزبیک شاهد ضایعه ای بزرگ شد..

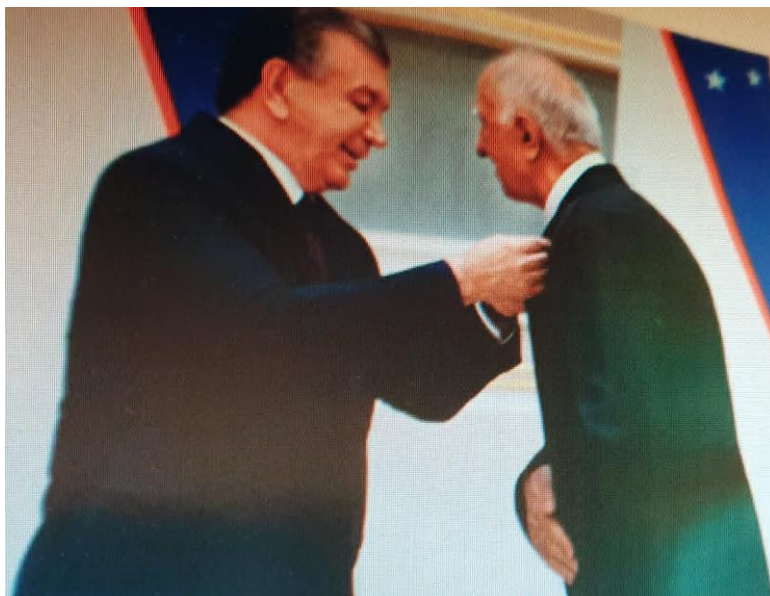
به مناسبت این حادثه غم انگیز به نمایندگی از «انجمن کلتوری بابر» درسویدن، فدراسیون فرهنگی تورکان افغانستان (ففتا) در اروپا و مرکز انجمنهای فرهنگی تورکان افغانستان درلندن، به اعضای محترم خانواده مرحوم غفوروف، دولت و خلق اوزبیکستان و انجمن

نویسندگان اوزبیکستان با اظهار تعزیه و تسلیت، مراتب عمیق
همدردی خود را ابراز میداریم.
روان مرحوم ابراهیم غفوروف شاد و قرین رحمت حق و جایگاهش
بهشت برین باد!

رئیس انجمن فرهنگی بابر در سویدن ،
اکادمیسین شرعی جوزجانی

.....

عکسهای مربوط



تعلیق نشان «قهرمان اوزبیکستان» بر سینه ابراهیم غفوروف
توسط رئیس جمهور شوکت میرضیایف



با ابراهیم غفوروف در باغ «اورمان»
از اتحادیه نویسندگان



با ابراهیم غفوروف در منزلش



غفوروف با قهرمان اوزبیکستان ایرکین واحدوف



با نویسندۀ خلق اوزبیکستان اوتکیر هاشموف



مصاحبه با ژورنالیست مهنادر تلویزیون





باعده ای از شاگردان



در منزل



در روز وداع

